

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

برگردان و توضیحات از: اکبر تک دهقان

۲۴ جولای ۲۰۱۲

اروپا و "اشتراکی" شدن بدهی بانکها و دولتها

ماکرو اقتصاد دان میثانیل بوردا Michael Burda از دانشگاه هومبولت برلین Humboldt-Universität، در مصاحبه با روزنامه "فرانکفورتر الگه ماینه چاپتونگ"، به نفع ایجاد "اتحاد بانکی" در اروپا و تحمل تورم بیشتر، تبلیغ می کند. او فراخوان اخیر، در این میان ۲۴۳ نفر از اقتصاددانان، حول رئیس "انستیتو پژوهشهای اقتصادی ifo"، هانس-ورنر زین Hans-Werner Sinn در مونیخ، علیه "اشتراکی سازی بدهیهای" (بانکها و دولتهای بحران زده اروپا) را، دیدگاهی "تقریباً ناسیونالیستی" ارزیابی می کند.

سؤال: پروفسور بوردا، سیاستمداران (المان)، دیگر تمایلی به شنیدن نصایح اقتصاد دانان، در موضوع بحران یورو را ندارند. رئیس پارلمان فدرال (المان)، نوربرت لامرت Norbert Lammert، اخیراً اعلام کرد: "توصیه های کارشناسان در مورد غلبه بر بحران، کمتر از هر روش قابل تصویری، مفید بودند". آیا اقتصاددانان (از ارائه راه حل)، عاجز ماندند؟

پاسخ: سیاستمداران، هر روز ما را در برابر فاجعه تازه ای قرار می دهند. من درخواست نکردم، که یونان و پرتغال در حوزه یورو، پذیرفته شوند. دولت ایتالیا (در مقطع رواج یورو در اول جنوری ۲۰۰۲)، به کمک بانک امریکائی گلدمن زاکس Goldman Sachs، بار بهره بدهیهای خود را (به طور مصنوعی) کاهش داد. اینها اشتباهاتی بودند، که در آغاز تأسیس اتحاد پولی اروپا رخ دادند. سیاستمداران، همواره و همیشه چشمان خود را (به دیدن این مشکلات) بستند. این خیلی سنگین است، که امروز ما اقتصاد دانان را، مسؤول معضلات معرفی می کنند. مطمئناً بعضی از کارشناسان هم، توصیه های الزام آور در مسأله یورو ارائه می کنند، که من آنها را تأیید نمی کنم.

سؤال: فراخوان در این میان ۲۴۳ نفر از اقتصاد دانان، حول انستیتو پژوهشهای اقتصادی ifo در مونیخ، علیه "اشتراکی سازی بدهی ها"، توجه زیادی را جلب کرد. شما فراخوانی علیه فراخوان انستیتوی فوق، به منظور تأسیس اتحاد بانکی در اروپا منتشر نمودید، که تاکنون ۱۹۱ پروفسور دیگر هم، آن را امضاء کرده اند. دلیل اقدام شما چیست؟

پاسخ: فراخوان مزبور، برای من ناراحت کننده و سبک خطاب آن به مردم هم، موجب رنجش سیاستمداران گشت. این بیانیه خیلی احساسی، تقریباً ناسیونالیستی، و چیزی از سالهای دهه ۳۰ قرن گذشته [دوره قدرت گیری نازیها] را، در خود داشت. درم تنیدگی بازارهای مالی، چنان پیش رفته است، که همه بانکها به هم وابسته شده اند. اگر بانکهای یک کشور سقوط کنند، همه بانکهای دیگر هم، آن را لمس خواهند کرد. باید یک راه حل مشترک یافت. در غیر اینصورت، سیستم بانکی اروپا، بالکانیزه شده، که تأثیر خوبی نخواهد داشت.

سوال: منتقدین (این نظر) می گویند، که در یک اتحاد بانکی (حوزه یورو)، کشورهای با استحکام (مالی و اقتصادی)، ناچار خواهند بود، عواقب فعالیتهای اقتصادی ناکام کشورهای دیگر را، به عهده بگیرند. شما این خوشبینی را از کجا کسب کرده اید، که یک نهاد اروپائی نظارت بانکی، واقعاً قادر است، به طور جدی دست به عمل زده، وضعیت بانکهای ورشکسته را سرانجام بخشد. در همانحال، تعهدات بانکهای ورشکسته به گردن طلبکاران، و نه به حساب مالیات دهندگان کشورهای دیگر، نوشته شود؟

پاسخ: اتحاد بانکی در اروپا، می بایستی در مقطع شروع اتحاد پولی عملی می شد. امروز - پس از روشن شدن این حقیقت -، البته خسارات بزرگی به وجود آمده اند. این به این معنا است، که ترانسفر (Transfers) (جابه جایی منابع و کمکهای مالی بلاعوض، به بانکها و دولتهای ورشکسته)، پیش خواهد آمد.

سوال: به این ترتیب، اشتراکی سازی بدهی ها.

پاسخ: همین طور است. حداقل بخشی

سوال: این را اما می توان البته مورد انتقاد قرار داد؟ همکار شما چارلز ویپلاز Charles Wyplosz، که شما با او یک کتاب آموزشی پیرامون اقتصاد کلان منتشر ساخته اید، اعتراض اقتصاد دانان حول انستیتو پژوهشهای اقتصادی ifo را "علناً بیگانه ستیزانه"، می داند. آیا این بیگانه ستیزی است، اگر کسی ضمانت جامعه (المان)، برای بدهی های دیگران را رد کند؟

پاسخ: به نظر من موضوع تا این حد، افراطی نیست. با اطمینان، هر کسی به دارائی خود، توجه می کند. اما در شرایط بحرانی، باید طور دیگری فکر کرد. برای مثال، این وضعیت را در نظر بگیرید: خانه همسایه شما، آتش گرفته است. آیا در این حالت، شما برای او خطابه ای پیرامون "ریسک اخلاقی" (یک عملی در زندگی) و بیمه مناسب (برای احتمال آتش سوزی)، ادا خواهید کرد؟ خیر، شما شلنگ آب را به دست می گیرید، تا آتش را خاموش کنید. بعد از آن شما می توانید، پیرامون مقررات بیمه آتی، با او صحبت کنید. اما این هم درست است: المان نمی تواند، کاملاً بی حساب پول پرداخت کند، بلکه باید شرایطی را معین کند.

سوال: شما معتقدید، که اتحاد بانکی آتی، (سیستم) تنظیم کننده خوبی را برقرار می سازد؟

پاسخ: ما نباید دچار بدبینی مطلق شویم. باید قدری خوش بین بود. تنظیم سخت گیرانه (وضعیت مالی)، امکانپذیر است. به قانون گلاس استیگال اکت Glass Steagall Act در ایالات متحده سال ۱۹۳۳، نگاه کنید. تصویب این قانون، اتفاقاً به کمک مبلغین پرشور آن، پیش برده شد. به مدت بیش از پنج دهه، سیستم متمایزسازی فعالیتهای مختلف بانکی از یکدیگر، معتبر بود. بانکداری سرمایه گذارانه Investmentbanking، از بانکداری معمولی مجزاء گشت، و حوزه بانکداری معمولی، محدود تر شد. قمار کردن با پول (سپرده گذاران، توسط بانکهای معمولی)، دیگر غیرممکن شد. از طریق محدود نمودن کلی فعالیتهای بانکهای معمولی (به حوزه های معینی)، به این دست یافته شد، که بانکها بیش از آن بزرگ نشوند، که دچار ورشکستگی نشوند * "too big to fail".

سوال: تاریخ اتحاد پولی یورو، تاریخ نقض قراردادهای و مقررات است. اما در آینده، باید به این مقررات اعتماد کنیم؟

پاسخ: ما باید به آنها اعتماد کنیم. هر کشوری باید بخشی از استقلال (تصمیم گیری خود را به نهادهای مالی اروپا) واگذار کند، وگرنه به الگوهای ملی گذشته برمی گردیم. در هر کجا که پی آمدهای افراطی ظاهر شوند [نظیر بحران بدهیهای کنونی]، باید این، در سطح اروپای واحد تنظیم گردد. عرصه مالی (اروپا)، باید به شکلی واحد سامان بگیرد.

سوال: شکاف عمیقی میان اقتصاد دانان آلمانی و دیگران وجود دارد. اکثریت اقتصاد دانان آلمانی، از سیاست صرفه جویی مالی [ریاضت اقتصادی]، حمایت می کنند. در حالی که اقتصاد دانان آنگلو ساکسون و اروپای جنوبی، خواهان انجام قرضهای (دولتی) بیشتر، برای رشد اقتصادی بیشتری هستند. آیا همکاران آنگلو ساکسونی شما، در مجموع، کینزیست محسوب می شوند؟

پاسخ: آنگلو ساکسونی ها، همواره همین گونه بوده اند. در دوره ریگان- تاچر، اصلاحاتی با هدف تقویت جنبه عرضه در بازار [یعنی: کاهش دستمزدها، با هدف تقویت قدرت رقابت شرکتهای] وجود داشت، اما به جز این، آنها به افزایش تقاضای بازار [یعنی: تقویت قدرت خرید مردم]، بسیار اهمیت داده اند. اقتصاد دانان باید با دو چشم، هم جنبه عرضه و هم وجه تقاضا را، مورد توجه قرار دهند. در کشورهای بحران زده یونان، اسپانیا و ایتالیا، نیاز به اصلاحات ساختاری وجود دارد، تا آنها باز هم به رشد اقتصادی پایدار، دست پیدا کنند. با این وجود، سیاست صرفه جویی (در هزینه های دولتی) همراه با معضل وامها، موجب سقوط (قدرت) تقاضای بازار، و بروز رکود اقتصادی می گردد. این خیلی کم است، که تنها صرفه جویی (در هزینه های دولتی) طلب شود. باید چشم اندازهای درازمدت، مد نظر قرار گیرند.

سوال: علی رغم بزرگ تر شدن مداوم صندوقهای نجات (مالی حوزه یورو)، بحران بدهیها، کاهش پیدا نمی کند. برخی اقتصاد دانان خواهان این هستند، که بانک مرکزی اروپا، بازپرداخت همه بدهی های دولتی را ضمانت کند و در حالت اضطراری، آنها را خود به عهده بگیرد. (یعنی بانک مرکزی به مثابه) یک " آخرین وام دهنده"، ["lender of last resort"]، نظیر بانک مرکزی امریکا. آیا اقتصاد دانان آلمانی، (خلاف اقتصاد دانان دیگر، که راه های حل ملایم تری پیشنهاد می کنند)، بیش از حد بی مراعات هستند؟

پاسخ: خرید اوراق قرضه دولتی (کشورهای بدهکار، که کسی نمی خرد) از سوی بانک مرکزی اروپا، در درازمدت موجب تورم می گردد [چون باید به همان میزان اسکناس چاپ کرد، و این، حجم پول در بازار را افزایش داده، به کاهش ارزش آن، یعنی گرانی بیشتر کالاهای معادل آن می انجامد]. اما این در برابر تعهد کشور مربوطه به اتخاذ سیاستهای ریاضتی، ارزش دارد. اگر دولت ایتالیا، دست به اصلاحاتی در بازار کار این کشور بزند [برای مثال: اخراجها را ساده سازد]، در اینصورت می توان با تخفیف بهره بدهیهای دولتی، به آن پاسخ مثبت داد. اما اگر وضعیت واقعاً بدتر شود [یعنی مردم به اصلاحات بازار کار تن ندهند]، در اینصورت باید بانک مرکزی اروپا، دست به مداخله بزند. بانک مرکزی اروپا همچنین محق است، بازارهای مالی را ثبات بخشد.

سوال: شما چه انتظاری دارید؟ سیاست نجات (مالی بانکها و کشورهای بدهکار)، چه سرانجامی خواهد داشت؟
پاسخ: نجات (مالی اروپا)، می تواند از خارج (از اروپا) فرا برسد. اگر اقتصاد جهان دوباره به راه افتد، و ارزش برابری یورو باز هم تنزل یابد، در اینصورت کشورهای حوزه یورو، ممکن است بتوانند، به کشورهای سوم *2 Drittländer، کالاهای بیشتری صادر کنند. کشورهای پیرامونی (خارج از حوزه یورو، یا خارج از اروپای

متحد)، دارای درجه معینی از قدرت رقابت هستند، اما نه در شرایط قدرت بالای نرخ برابری (ارزهای آنها نسبت به یورو)*۳. در اثر یک سیاست پولی بازتر بانک مرکزی اروپا [یعنی کاهش بیشتر نرخ راهنمای بهره بانکی]، ارزش یورو کاهش می یابد. من همچنین به یک متوازن سازی Rebalancing در حوزه یورو امیدوارم. آلمان باید اندکی بروز تورم بیشتری را مجاز سازد. اتحادیه ها برای دستمزدهای بیشتر تلاش می کنند، و این باعث افزایش بهای کالاها (صادراتی) آلمانی می گردد؛ طوری که (عملاً) در کشورهای پیرامونی (هم، دیگر) توقف افزایش (و یا کاهش) قیمت‌های کالاها، اینهمه که است، مورد نیاز خواهد بود [ممکن نیست]. به این ترتیب، عدم توازنهای موجود [درصد تورم]، می توانند کاهش پیدا کنند. اما اگر بازارهای مالی آرامش [ثبات] خود را از دست بدهند، خیلی سریع، مسائل بسیار هولناکی پیش خواهند آمد.

سوال: منظور شما چیست؟

پاسخ: من قدرت تخیل (لازم) برای توصیف (این "مسائل هولناک") را ندارم.

توضیحات

- همه پرائنزه‌ها، گروه‌ها و محتوای داخلی آنها، از مترجم است. فهم مطلب بدون این توضیحات مستقیم، برای خواننده غیرمطلع از نحوه بیان آلمانی، مشکل خواهد شد. علامت نقل مستقیم و محتوای آنها، از اصل مقاله است.

*۱- منظور از به کارگیری این جمله، که به یک عبارت رایج تبدیل شده، این است، که بانکها نباید آنچنان بزرگ شوند، که در صورت بحران، کل سیستم اقتصادی را هم به بحران بکشند. یعنی اگر یک بانک، هنوز خیلی بزرگ نباشد، در صورت بحرانی شدن وضعیت آن، می توان آن را ورشکسته اعلام کرد و اتفاقی هم برای سیستم مالی کشور رخ نمی دهد. در صورتی که یک بانک خیلی بزرگ هر چقدر هم دچار بحران گردد، اعلام ورشکستگی آن ساده نبوده، بلکه باید از ناچاری، با کمکهای هنگفت دولتی، آن را سر پا نگهداشت.

*۲- "کشورهای سوم" در این جا، طبق تعریف استاندارد، کشورهای خارج از حوزه یورو و خارج از اروپای متحد هستند، که با این مجموعه، در چهارچوب یک اتحاد سیاسی، یا قرارداد دو جانبه مسافرتی، اقامتی و یا گمرکی قرار ندارند. به این ترتیب، هر کشور اروپایی با کشور دیگری در اروپای واحد و یا حوزه یورو، کشورهای اول و دوم محسوب می شوند. در چهارچوب این موضوع، اروپا یک منطقه گمرکی آزاد برای اعضای آن، به حساب می آید. شهروندان کشورهای سوم برای ورود و یا اقامت در این منطقه، به کسب حق اقامت، ویزا و رعایت قوانین گمرکی، ملزم هستند.

برای اروپای متحد، مجموعاً دو گروه از کشورهای سوم وجود دارند: گروه اول: "کشورهای سوم مثبت"، و گروه دوم: "کشورهای سوم منفی". برای گروه اول، شرایط سفر و اقامت در اروپا، اندکی بهتر است. در گروه اول، ۳۸ کشور، از آن جمله: آمریکا، جاپان، اسرائیل، ناروی و کورئای جنوبی، و در گروه دوم، ۱۲۵ کشور، از آن جمله: روسیه، چین، هندوستان، ایران و افغانستان، جای دارند.

*۳- یعنی باید ارزش برابری یورو را در برابر ارزهای دیگر و این قبل همه: دالر، یوان، ین و روبل، تنزل داد.

نظر مترجم پیرامون مقاله

طبق اشاراتی در بخشهایی از مصاحبه پروفیسور بوردا، می توان راه حل ایشان را تقریباً به این شکل، فرموله کرد: بانک مرکزی اروپا، دست به خرید اوراق قرضه کم ارزش و بی ارزش کشورهای بدهکار حوزه یورو بزند. سپس معادل خسارت ناشی از افزایش طلب بانکهای خصوصی وام دهنده به این دولت، یعنی در واقع معادل کاهش ارزش واقعی این اوراق نسبت به زمان اولیه انتشار آنها، اسکناس چاپ کرده، و بهای اوراق قرضه خریداری شده را حال با چه مبنای محاسبه ای، به دولتهای بدهکار بپردازد. این کشورها هم بخشی از این پول را در سال، به عنوان بهره سالانه همان اوراق قرضه- که سابقاً قادر به بازپرداخت آن نبودند- دوباره، اما این بار نه به بانکهای خصوصی سابق، بلکه به طلبکار جدید، یعنی به بانک مرکزی اروپا بازگردانند.

راه حل پیشنهادی اقتصاد دان فوق، باید با یک تیر، دو هدف را مورد اصابت قرار دهد:

۱- ظاهراً مشکل بدهی دولتهای بحران زده به بانکها حل می شود. بانکها هم دچار ورشکستگی نشده، بدون ایجاد حساسیت در جامعه، به پول خود می رسند.

۲- میزان حجم یورو در بازار مالی افزایش یافته، ارزش آن نظیر هر کالای دیگری، تنزل می یابد. درست از این لحظه به بعد، قیمت کالاهای حوزه یورو برای صدور به کشورهای سوم، ارزان تر تمام شده، قدرت رقابت آنها در بازار داخلی این کشورها، و یا مناطق مورد کشمکش، افزایش می یابد.

از دید مصاحبه کننده به طور خلاصه، این سیاست از یک طرف باعث حل [در واقع صوری] موضوع بدهیهای کشورهای بدهکار حوزه یورو می شود. از سوی دیگر به دلیل افزایش حجم یورو در بازارهای مالی، موجب افزایش تورم در کشورهای حوزه یورو شده، یک نفع جنبی مهمی هم به دنبال می آورد. این راه حل اما، تنها در سطح تئوری، می تواند به سهولت موفقیت آمیز باشد.

اولاً: کشمکش بر سر بازارها و از سر راه برداشتن حریف از طریق انواع دامپینگ ها، موضوع تازه ای نیست. به این سادگی نمی توان رقابانی نظیر جاپان و چین و امریکا را دور زده، طعمه را از چنگشان بیرون آورد. بانک مرکزی چین به عنوان نمونه، از طریق فرمان دولتی، ارزش برابری "یوان" در برابر ارزهای دیگر را، طی دهه ها پائین نگهداشته، تا صادرات چین به کشورهای دیگر ارزان تر تمام شوند.

ثانیاً: افزایش تورم در حوزه یورو، منطقه ای که اتحادیه های بزرگی، از قدرت خرید اعضا خود دفاع می کنند، نمی تواند به اعتراضات فوری برای افزایش دستمزدها، منجر نشود. عمر استفاده از مزایای افزایش تورم برای ترقی صادرات، یا خیلی کوتاه، و یا اگر اندکی طولانی شود، خود باعث تضعیف بازار داخلی در حوزه یورو شده، سود احتمالی ناشی از افزایش صادرات، با خسارت ناشی از کاهش فروش در بازار داخلی اروپا، "سر به سر" خواهند شد.

آقای پروفیسور در گرما گرم مبارزات انتخاباتی در امریکا، برای بارک اوباما نقشه می کشد! غافل از این که، جناح اوباما، اتفاقاً مواظب است، اروپا به هزینه امریکا و بازارهای آن، که از طریق ناوگانهای جنگی در سراسر جهان از آنها حفاظت می کند!- بحران مالی خود را حل و فصل نکند. به هر حال، موضوع بر سر حدود ۱۰۰۰ میلیارد یورو است. حذف چنین پولی از اقتصادهای امریکا، جاپان و چین، آنهم در مدتی کوتاه، بحران مالی بین المللی بزرگی در پی خواهد داشت، که چه بسا از بحران بدهیهای کنونی اروپا هم، پرخسارت تر خواهد بود.

آنچه که استاد کارشناس در حرفه خود، در واقع به دنبال آن است، نه حل واقعی بحران در این مقطع، بلکه حفظ سیستم کار بانکهای خصوصی، در دوره حاضر بحران مالی به همین شیوه تکنونی است. یعنی: بانکها علی الحساب بار بدهیهای خود را بر دوش جامعه بگذارند. او اما در عین حال مدافع نوعی سیستم بانکی امریکائی است، که گویا تا پنج دهه، یعنی تا اواسط دهه ۸۰ میلادی، موفق عمل کرده است. در این سیستم، بانکها باید در محدوده های معینی فعالیت کنند و بیش از حد بزرگ نشوند.

منبع: روزنامه المانی "فرانکفورتر آلگه ماینه سابتونگ- اف. آ. چت." Frankfurter Allgemeine Zeitung F.A.Z.
روزنامه "فرانکفورتر آلگه ماینه چایتونگ"، یک روزنامه محافظه کار و به حزب دموکرات مسیحی CDU و "اتحاد کارفرمایان المان BDA"، نزدیک است. این روزنامه، همچنین بزرگترین روزنامه محافظه کار (جدی و نه و جنجالی) در المان است. تقریباً هر مدیر و سرمایه داری، از آن "خط" می گیرد.
"www.faz.net/aktuell/wirtschaft/oeconom-michael-burda-die-schulden-werden-zum-teil-sozialisiert-11821207.html"

منبع: روزنامه المانی "فرانکفورتر آلگه ماینه چاپتونگ" Frankfurter Allgemeine Zeitung

ترجمه و توضیحات: اکبر تک دهقان

۳۱ تیر [سرطان] ۱۳۹۱ - ۲۱ جولای ۲۰۱۲